

بررسی ارتباط بین مدیریت سود و حسابرسی

معصومه هاشم خانی^۱

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

چکیده

در سال‌های اخیر در حوزه پژوهش‌های حسابداری، موضوع مدیریت سود مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. به این دلیل که سرمایه‌گذاران به عنوان یکی از فاکتورهای مهم تصمیم‌گیری به رقم سود توجه خاصی دارند. مدیریت سود برآیند درجه‌ای از قابلیت انعطاف و اعمال نظری است که مدیران در گزارشگری مالی خود دارند. مدیران واحدهای اقتصادی ممکن است به قصد دستیابی به منافع بیشتر، اقدام به دستکاری سود حسابداری نمایند. انگیزه اصلی آن‌ها افزایش پاداش فعلی خود از طریق افزایش سود حسابداری است. رفتار فرصت طلبانه مدیران اقتضا می‌کند در گزارش سود، دخل و تصرف کنند و زمانی که این دخل و تصرف کشف شود، کیفیت سود شرکت مورد سؤال قرار گرفته و تحلیلگران مالی مجبور به ارزیابی مجدد اطلاعاتی مالی می‌شوند. گزارشگری مالی، با کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد و اطلاعات حسابرسی شده مبنای تعیین مدیریت سود می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان داد بین معیارهای معرفی شده، تنها اندازه مؤسسه حسابرسی و اظهارنظر حسابررس رابطه معناداری با مدیریت سود دارد. در حالی که تخصص حسابررس، تغییر حسابررس و به موقع بودن گزارش حسابررس تأثیری بر میزان مدیریت سود شرکت ندارد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، حسابرسی، سرمایه‌گذار، صورت‌های مالی، گزارشگری سود.

مقدمه

مدیران از مدیریت سود استفاده می کنند تا حجم سود گزارش شده را بالا ببرند. به عنوان مثال از روش های مختلت مدیریت سود برای معرفی هدف استفاده می کنند تا از گزارش زیان های سالیانه اجتناب کنند. شرکت هایی که صورت های مالی حسابرسی شده ارائه می کنند، دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیشتری هستند. یکی از اشکال کنترل مدیریت، استفاده از حسابرسی است. حسابرسی می تواند از سوی مدیران مورد استفاده قرار گیرد تا به سهامداران اطمینان خاطر داده شود که مدیریت رفتار فرصت طلبانه ای ندارد. تأثیر کیفیت حسابرسی در محدود کردن مدیریت سود در شرکت های دارای عرضه اولیه از جمله مباحث مطرح و مورد علاقه در مدیریت مالی، حسابداری و ارتباط متقابل آن ها با دانش حسابرسی است. لازم است شرکت های دارای عرضه اولیه، رفتار مدیریت را از طریق حسابرسی کنترل کنند تا در نتیجه به مالکان (سهامداران) اطمینان داده شود که مدیریت شرکت به نحوی فرصت طلبانه رفتار نخواهد کرد. (نمازی و همکاران، ۱۳۹۰) کیفیت حسابرسی به عنوان امکان ترکیب یافته ای نگریسته می شود که حسابرس بیرونی به بی نظمی در صورت حساب های مالی پی می برد و آن را برای ذی نفعان صورت حساب های مالی آشکار می کند. فرایند گزارش مالی شامل آگاهی از قوانین فنی و استانداردهای حسابرسی است. مدیرانی با پیش زمینه مالی ماهرانه که بر این فرایند نظارت می کنند، احتمال بیشتری برای موفقیت در محدود کردن مدیریت سود دارند. نقش کمیته حسابرسی این است که با کمک به کمیته کردن دستکاری های سود، نسبت به کیفیت گزارش مالی اطمینان یابد. حسابرسی با کیفیت بالا، از طریق بهبود قابلیت اتکا و افزایش اعتبار فرایند گزارشگری مالی، به سودمندی این فرایند و کارایی بازاری مالی کمک می کند. اطلاعات مالی قابل اتکا و معتبر به نوبه خود، موجب اعتماد استفاده کنندگان به اطلاعات می شود. برون داد این فرایند، در خدمت منافع عمومی است. زیرا به اتخاذ تصمیمات مناسب برای تخصیص منابع توسط سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و سایر دست اندرکاران بازار سرمایه کمک می کند که خود عاملی بسیار مهم برای افزایش کارایی بازار سرمایه است. (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۴) با افزایش قیاس پذیری اطلاعات حسابداری، احتمال کشف مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی افزایش یافته و در نتیجه مدیران در به کارگیری این روش مدیریت سود با ریسک فراوانی مواجه خواهند بود. بنابراین انتظار بر این است که استفاده از مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی را کاهش داده و در مقابل، استفاده از روش های مدیریت سود واقعی را جایگزینی برای دستکاری اقلام تعهدی نمایند. (مکاری و همکاران، ۱۴۰۰، ۷) بررسی ادبیات مرتبط با مدیریت سود، بیانگر تلاش محققان در فهم این مطلب است که چرا مدیران به دنبال دستکاری سود هستند، چگونه سود را مدیریت می کنند و تبعات این گونه رفتار چیست. پاسخ به این سؤالات، بخش اعظمی از تحقیقات تجربی را در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی به خود اختصاص داده است.

۱- تاریخچه مدیریت سود

در سال های اخیر مقوله مدیریت سود از زوایای مختلف توسط محققان حسابداری مورد توجه قرار گرفته است. به خصوص پس از شنیدن خبرهایی درباره انجام موارد خلاف قاعده و عرف در حسابداری و به دنبال آن اعلام ورشکستگی شرکت های بزرگ تجاری، مدیریت سود نزد استفاده کنندگان از اطلاعات مالی به ویژه سهامداران اهمیت بیشتری پیدا کرده است. به این دلیل که پس از آشکار شدن اعمال مذکور غالباً ارزش سهام شرکت در بازار کاهش یافته و در حالت افراطی، به ورشکستگی واحد تجاری منجر گردیده است. در اینجا به چند نمونه از این اثرهای موارد خلاف قاعده و عرف اشاره می گردد. الف) ورشکستگی شرکت های بزرگ تجاری از قبیل انرون، ورلدکام، گلو بال کراسینگ و تایکو به دنبال اعمال مدیریت سود در حجم وسیع اتفاق افتاده است. ورشکستگی شرکت انرون را اولین شکست سال های اخیر و بزرگ ترین ورشکستگی در تاریخ اقتصاد دنیا از بدو تأسیس واحدهای تجاری بزرگ دانسته اند. ارزش سهام این شرکت در اواسط سال ۲۰۰۱ به شدت شروع به کاهش نمود و در دسامبر همان سال این شرکت رسماً اعلام ورشکستگی نمود و در این میان سرمایه گذاران بازار سرمایه دنیا را مات و مبهوت نمود. موضوع به قدری مهم بود که در کنگره آمریکا مورد بحث قرار گرفت و مدیران ارشد شرکت و حسابرسان آن تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. ب) در سال ۱۹۹۸ پس از یک انتظار طولانی جهت ارائه صورت های مالی، شرکت سان بیم در رابطه با عملکرد مربوط به سال ۱۹۹۷، اختلافی در حدود ۶۵ درصد بین سود واقعی و سود گزارش شده خود اعلام داشت. این شرکت افزایش حیرت انگیز سود در سال ۱۹۹۷ را ناشی از انعکاس غیر واقعی مخارج حاصل از تجدید ساختار در سال ۱۹۹۶ و همچنین شناسایی نابهنگام درآمدها اعلام کرد. ج) در سال ۱۹۸۸ ارزش بازار سهام شرکت سای بیس بیش از بیست درصد کاهش یافت. این امر هنگامی اتفاق افتاد که اقدامات مدیران مبنی بر گزارش های گمراه کننده و غیرواقعی میزان فروش شرکت های تابعه ژاپنی افشا گردید. در قرارداد فروش عنوان شده بود که مشتریان می توانند نرم افزارهای خریداری شده را بعداً و بدون پرداخت جریمه عودت دهند. همان طور که ملاحظه می گردد باز هم همانند موارد قبلی دستکاری سود عامل اصلی تمام مشکلات محسوب می شود.

۲- تعریف و مفهوم مدیریت سود

ادبیات تحقیق مدیریت سود فاقد تعریفی پذیرفته شده از مدیریت سود بوده و در ادبیات حسابداری ارائه تعریف روشن از مدیریت سود مشکل است، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلب های مالی مشخص نمی باشد. مدیریت در راستای دستیابی به سود مستمر و پایدار، سعی می کند نوسان های دوره ای سود را حذف نموده، اقدام به برنامه ریزی سود با یک نرخ رشد ثابت نماید. این موضوع منجر به این می شود که دور نمای آتی شرکت، مطلوب به نظر آمده، عملکرد آن قابل قبول ارزیابی شود. این

گونه عملکرد از سوی مدیران به عنوان مدیریت سود یاد می‌شود. (مشکی و نوردیده، ۱۳۹۱) ثقلب مالی، حذف یا دستکاری عمومی واقعیات اصلی یا داده‌های حسابداری است که در کنار سایر داده‌های موجود، باعث تغییر در قضاوت و تصمیم‌گیری استفاده کننده از داده‌ها خواهد شد. به طور کلی مدیریت سود بر اثر گذاری سود شرکت، به نحوی که منابع و خواسته‌های شرکت و مدیران آن را بر آورده نماید، تعریف می‌شود. (نوروش و سپاسی، ۱۳۸۴) یکی از اقلام صورت های مالی که به عنوان معیار ارزیابی عملکرد و توانایی سودآوری واحد انتفاعی مورد توجه قرار می‌گیرد، گزارشگری سود می‌باشد. اما محاسبه سود خالص یک واحد انتفاعی متأثر از روش‌ها و برآورد های حسابداری است. اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق برآورد و پیش بینی و همچنین اعمال روش‌های نظیر روش ارزیابی موجودی کالا، استهلاک سرقفلی، هزینه‌های جاری سرمایه‌ای تلقی کردن هزینه های تحقیق و توسعه و تعیین هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول از جمله مواردی هستند که مدیران می‌توانند از طریق اعمال آن‌ها سود را تغییر دهند. از یک طرف به دلیل آگاهی بیشتر مدیران از وضعیت شرکت، انتظار می‌رود به گونه ای اطلاعات تهیه و ارائه شود که وضعیت شرکت را به بهترین نحو منعکس کند، از طرف دیگر بنا به دلایلی نظیر ابقاء در شرکت، دریافت پاداش و ... مدیریت واحد انتفاعی خواسته یا ناخواسته ممکن است با دستکاری سود، وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد. تحت چنین شرایطی سود واقعی با سود گزارش شده در صورت‌های مالی مغایرت داشته و رویدادهای تحت عنوان مدیریت سود رخ داده است. در ادبیات حسابداری ارائه تعریف درستی از مدیریت سود دشوار است. زیرا مرز بین مدیریت سود (هموارسازی سود) و ثقلب‌های مالی را نمی‌توان به روشنی تبیین نمود. نقش اصلی گزارشگری مالی انتقال اثر بخش اطلاعات مالی به افراد برون سازمانی به روش معتبر و به موقع است. برای انجام این مهم مدیران از فرصت هایی برای اعمال قضاوت در گزارشگری مالی برخوردار شده اند. البته مدیران می‌توانند درباره فعالیت‌های تجاری برای بهبود اثر بخش صورت‌های مالی به عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان بالقوه استفاده نمایند. با این حال چنانچه مدیران برای گمراه کردن استفاده کنندگان صورت‌های مالی (درون سازمانی و برون سازمان) از طریق اعمال اختیارات خود در زمینه گزینش‌های حسابداری در گزارش های مالی، انگیزه هایی داشته باشند احتمال می‌رود سود رخ دهد. در بیانیه مفاهیم شماره یک هیات استانداردهای حسابداری مالی هدف از گزارشگری مالی، تهیه اطلاعات مفید برای تصمیم گیران اقتصادی و تجاری عنوان شده است. یکی از ابزارهای ارائه اطلاعات مفید توسط مدیران، برای استفاده کنندگانی که نمی‌توانند مستقیماً بر رویدادهای شرکت نظارت کنند، صورت های مالی حسابداری است. به عبارت دیگر برای این اشخاص، اطلاعات حسابداری منتشر شده، چیزی جز جانشین برای پدیده‌های واقعی نیست. همچنین در تحقیقات بسیاری، نقش صورت‌های مالی حسابداری به عنوان یکی از ابزارهای مهمی که تأثیر زیادی بر تصمیمات استفاده کنندگان دارد، به اثبات رسیده است. یکی از اجزای صورت‌های مالی، سود حسابداری است که مهمترین معیار از عملکرد شرکت‌ها و مبنایی است برای تصمیمات

سرمایه گذاری، اعتباردهی و سنجش عملکرد مدیران و در سطح کلان معیاری از عملکرد بخش اقتصادی جامعه است که بر سیاست گذاری های خرد و کلان دولت ها تأثیر زیادی می گذارد و در نهایت می تواند موجب هدایت منابع محدود اقتصادی به سرمایه گذاری های سود آور و یا ارزش افزوده بالا گردد و یا این منابع با ارزش را تباه سازد. در متون مدیریت مالی مهمترین وظیفه مدیران، حداکثر نمودن ثروت مالکان ذکر شده است که این مهم از طریق افزایش سود خالص، افزایش قیمت سهام و افزایش ریسک شرکت صورت می گیرد. اما الگوی به حداکثر رساندن ثروت مدیران به چالش کشیده می شود. این تضاد که توسط تئوری نمایندگی شرح داده شده، بیان می دارد که مدیران سعی در حداکثر نمودن منافع خود دارند که لزوماً همسو و همسان با منافع مالکان نیست. از طرفی صاحبان سرمایه تمایل دارند سود با نرخ ثابتی رشد یابد تا اینکه مبلغ افزایش آن ثابت باشد، زیرا این امر سبب می شود نوسان های غیر عادی سود خنثی شده و انتظارات ذهنی سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه در ارتباط به سود تقسیمی و قدرت سودآوری شرکت بهبود یابد که این مسئله خود باعث کاهش ریسک شرکت، افزایش رضایت مالکان و اعتباردهندگان و در نتیجه افزایش منافع مدیران می گردد. این احتمال می رود که مدیران برای کسب رضایت مالکان و در نتیجه افزایش منافع خود از طرق مختلفی اقدام به مدیریت سود نمایند. اما همواره این نگرانی وجود داشته و دارد که مدیران فقط به فکر افزایش منافع خود باشند و در این میان توجهی به منافع مالکان و سایر صاحبان سود نمایند. (نورهاشمی، ۱۳۹۸، ۳۹) به عبارت دیگر مدیران سود را به گونه ای مدیریت نمایند که منافع خود را افزایش و منافع دیگران را تباه سازند. از دیدگاه های مختلف همچون ریسک شرکت، تئوری نمایندگی و اینکه این عمل پاسخی است از طرف مدیران به منظور افزایش امنیت شغلی، پدیده هموارسازی سود شرکت را می توان تفسیر نمود. در ادبیات مالی یکی از معیار های سنجش ریسک یک شرکت تغییرات در مبلغ سود آن است. از سوی دیگر سرمایه گذاران با توجه به ریسک برآوردی شرکت نرخ بازده مناسبی را مطالبه می کنند. به طوریکه هرچه ریسک شرکت از دیدگاه سرمایه گذاران بالاتر باشد نرخ بازده مورد انتظار آنان نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس در صورتیکه ریسک شرکت از دیدگاه سرمایه گذاران پایین باشد نرخ بازده مورد انتظار آنان نیز بر نرخ سرمایه گذاری بدون ریسک نزدیک خواهد شد. بنابراین مدیران شرکت برای پایین آوردن نرخ بازده مورد انتظار سرمایه گذاران سعی می کنند ریسک سرمایه گذاری در شرکت را کاهش دهند تا بتوانند به راحتی به منافع مورد نیاز خود دست یابند. در این راستا مدیران شرکت تلاش می کنند با هموارسازی سود تغییرات و نوسانات سود را کاهش دهند تا از این راه ریسک سرمایه گذاری در شرکت در سطح پایین تری نگه داشته شود، به بیان دیگر هموارسازی سود نوعی عمل آگاهانه است که توسط مدیریت و با استفاده از ابزارهای ویژه ای در حسابداری برای کاهش از نوسانات سود انجام می گیرد.

۳- تعریف کیفیت حسابرسی

یکی از متداول ترین تعریف‌ها درباره کیفیت حسابرسی تعریفی است که توسط دی انجلو (۱۹۸۱) ارائه شده و کیفیت حسابرسی را این گونه تعریف کرده است: ارزیابی بازار از احتمال اینکه حسابرس موارد تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی و سیستم‌های حسابداری صاحب کار را کشف کند و تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند. تعریف دی انجلو از کیفیت واقعی حسابرسی مبتنی بر برداشت استفاده کنندگان یا به اصطلاح، استنباط بازار از کیفیت حسابرسی است. استفاده از این تعریف در بیان کیفیت واقعی حسابرسی با این فرض اساسی صورت می‌گیرد که برداشت از کیفیت حسابرسی، منعکس کننده کیفیت واقعی حسابرس است. تیتمان و ترومن کیفیت حسابرسی را میزان صحت و درستی اطلاعاتی که پس از حسابرسی در اختیار سرمایه گذاران قرار می‌گیرد تعریف کرده اند. این تعریف مشابه تعریف پالمروس از کیفیت حسابرسی است. دیوید سون و نیو (۱۹۹۳) تعریف کیفیت حسابرسی را توانایی حسابرس در کشف و گزارش تحریفات با اهمیت و نیز درستکاری انجام شده در سود خالص می‌داند. اما لام و چنگ (۲۰۱۲) اعتقاد دارند که کیفیت خدمات حسابرسی به جای آنکه یکجا بررسی شود، باید برای هر پروژه حسابرسی جداگانه بررسی شود. یک مشکل اساسی در تعریف کیفیت حسابرسی تمایز بین کیفیت حسابرس و کیفیت حسابرسی است. بسیاری از تحقیقات هیچ تفاوتی بین این دو اصطلاح قائل نشده و اغلب آن‌ها را معادل یکدیگر به کار می‌گیرد. کیفیت حسابرسی به عنوان کیفیت کلی خدمات حسابرسی در تمام حسابرسی‌های مؤسسه حسابرسی تعریف می‌شود. کیفیت حسابرسی باید برای هر پروژه حسابرسی به طور جداگانه تعریف شود؛ زیرا مؤسسه حسابرسی ممکن است تمام حسابرسی‌های خود را در یک سطح کیفی مشابه اجرا نکند. به عبارت دیگر کیفیت حسابرسی مبتنی بر مفهوم کیفی بودن حسابرسی‌های مؤسسه حسابرسی است. در حالی که کیفیت حسابرسی مبتنی بر مفهوم کیفیت واقعی هریک از پروژه های حسابرسی است. بنابراین تمایز قائل شدن بین این دو مفهوم در تحقیقات مربوط به کیفیت حسابرسی ضروری است. حسابرسی با کیفیت بالاتر، با احتمال بیشتری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند. زیرا مؤسسه حسابرسی با کیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه های بیشتری برای کشف اشتباه و تقلب هستند. (Armstrong et al, 2009) یک مؤسسه حسابرسی مستقل و با مهارت، قادر به شناخت ارائه نادرست اقلام صورت های مالی مورد رسیدگی بوده و می‌تواند نسبت به ارائه صحیح آن بر صاحبکار خود تأثیرگذار باشد تا در نتیجه آن، اطلاعات مالی قابل اتکایی گزارش شود. رسیدن به این هدف مطلوب، به خصوصیات مؤسسات حسابرسی کاملاً وابسته بوده و این خصوصیات می‌تواند به شکل مثبت یا منفی با کیفیت حسابرس در ارتباط باشد. به نظر تیتمن و ترومن حسابرسی باکیفیت تر صحت اطلاعات ارائه شده را بهبود می بخشد و به سرمایه گذاران اجازه می دهد تا برآورد دقیق تری از ارزش شرکت به دست آورند. با توجه به تعاریف مختلف مطرح شده در مورد کیفیت حسابرس، چارچوب آن را می‌توان به این صورت بیان کرد: کیفیت حسابرس عبارتست از حسن شهرت و مراقبت

حرفه‌ای حسابرس، که در نتیجه حسن شهرت حسابرس، اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی افزایش یافته و بر اثر نظارت و مراقبت حرفه‌ای حسابرس، کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی افزایش خواهد یافت. مهم‌ترین شاخص اندازه‌گیری حسن شهرت حسابرس، اندازه آن است که این دو با هم رابطه مستقیم دارند، به طوری که هرچه اندازه مؤسسه حسابرسی بزرگ‌تر باشد، کیفیت حسابرس هم بالاتر خواهد بود. (جوانمرد و اجاقی، ۱۳۹۷، ۱۸۴) دی آنجلو کیفیت حسابرسی را با واژه اعتبار حسابرس تعریف کرده و اظهار می‌دارد که ذی‌نفعان می‌توانند از اندازه مؤسسه حسابرسی به عنوان جانشین حسن شهرت حسابرس استفاده نمایند. (نونهال و همکاران، ۱۳۹۲) یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری مراقبت حرفه‌ای حسابرس و توانایی نظارت آن، دوره تصدی حسابرس است. هرچه دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد، شناخت او از صاحبکار و تخصص او در آن صنعت خاص بالا رفته و موجب افزایش کیفیت حسابرس خواهد شد.

۴- رابطه مدیریت سود و حسابرسی

پژوهش‌های زیادی که اخیراً انجام شده است، اندازه حسابرس را به عنوان یک شاخص جهت اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی مورد استفاده قرار داده‌اند. اخیراً شواهد بیشتری در جهان منتشر شده است که شرکت‌های حسابرسی بزرگ باعث ایجاد محدودیت در مدیریت درآمد می‌شوند. برخی مطالعات قبلی نشان می‌دهد، که حسابرسان متخصص صنعت نقش مهمی در ارائه کیفیت حسابرسی بالا ایفا می‌کنند. یکی از موارد مهم و اثرگذار در زمینه مدیریت سود با هدف دستیابی به آستانه خاصی از سود، کیفیت حسابرسی است. قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری بر معیارهای مدیریت سود واقعی (جریان غیرعادی وجوه نقد عملیاتی، هزینه‌های غیرعادی تولید، هزینه‌های غیرعادی اختیاری) تأثیر مستقیم و معنادار دارد. به عبارتی، با افزایش قیاس‌پذیری، تمایل مدیران به مدیریت سود واقعی در راستای ارائه مطلوب عملکرد جاری خود با دستکاری فعالیت‌های واقعی مانند تولید بیش از اندازه و افزایش غیرعادی حجم فروش افزایش می‌یابد. (مگاری و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۸) شرکت‌ها برای اجتناب از کاهش سود نسبت به سال قبل، اقدام به مدیریت سود می‌کنند و در نتیجه در صورتی که سود سال جاری نزدیک به سود سال قبل بود، می‌توان نسبت به مدیریت سود مشکوک شد. همچنین در صورتی که آن شرکت از سوی مؤسسه‌های حسابرسی دارای کیفیت بالا رسیدگی شده باشد، احتمال مدیریت سود برای دستیابی به این آستانه کاهش می‌یابد. همچنین سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی در بررسی‌های خود در مورد سود سهام، باید به مدیریت سود با هدف دستیابی یا پیشگیری از آستانه‌ها توجه داشته باشند و در این راستا کیفیت حسابرسی را مدنظر قرار دهند. (خواجوی و ابراهیمی میمند، ۱۳۹۴، ۵۰) بنابراین، به تازگی در محیط کسب و کار استفاده از حسابرسان متخصص، به عنوان یک شاخص برای کیفیت حسابرسی افزایش یافته است، حسابرس متخصص علاوه بر دانش متمایز باید تجربه عملی را از حسابرسی در مورد صنعت خاص داشته

باشد. گزارش حسابرس با هدف ابراز نظر مستقل درباره تأیید مالی آن است و این گزارش مالی شرایط اقتصادی واقعی و یافته های عملیات نهادی را نشان می‌دهد. بدین ترتیب، گزارش حسابرس به عنوان مرحله نهایی یا نتیجه کار حسابرسی در نظر گرفته می‌شود که حسابرس برای انتقال پیام در مورد موضع شرکت استفاده می‌کند. با توجه به استانداردهای حسابرسی ایران، حسابرس، مسائل را بررسی کرده و یک گزارش بر اساس دیدگاه درست و عادلانه در چارچوب گزارشگری مالی ارائه می‌دهد. با این حال، ممکن است حسابرس با توجه به شرایط و تأثیرات برخی عوامل، یک گزارش اصلاح شده را منتشر می‌کند. این قسمت، بر ارتباط بین اظهارنظر حسابرس و بروز مدیریت سود متمرکز شده است. اغلب موارد تغییر حسابرس ناشی از اختلاف در بین کارفرما و حسابرس بوده که در آن حسابرس اصرار دارد که از روش‌های حسابداری خاص استفاده کند. کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از ساختار حاکمیت شرکتی، موظف بر نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی می‌باشد و محدود کردن مدیریت سود یکی از مزایای اصلی شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی به شمار می‌رود. (تجویدی و قائم پناه، ۱۴۰۰، ۱۵۵)

مدیران ممکن است به منظور تأخیر و یا افشای اطلاع از اطلاعات نامطلوب، تلاش کنند حسابرس را تغییر دهند. آن‌ها نتیجه گیری می‌کنند که بیشتر شرکت‌هایی که مشکلات مالی دارند حسابرسان را تغییر داده‌اند. بر این اساس، تغییر حسابرس به عنوان یک مورد شاخص کیفیت حسابرسی مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارت دیگر، مطالعات قبلی نشان می‌دهند تغییر حسابرسان، کیفیت پایین و احتمال بیشتر مدیریت سود را به دنبال دارند. در حال حاضر مطالعات نشان می‌دهد که مدیران ممکن است حسابرسان را تغییر دهند تا آن‌ها را قادر سازد رفتارهای فرصت طلبانه را با سوء استفاده از نا آشنا بودن حسابرس جدید با کسب و کار شرکت مدیریت کنند. بر این اساس، تغییر حسابرس ممکن است با مدیریت درآمد بالا همراه باشد. شرکت‌هایی که جریان نقد خود را ارائه می‌دهند تا حدی می‌توان به سود ارائه شده توسط این گونه از شرکت‌ها اعتماد کرد، سود ارائه شده نشان از سود واقعی شرکت می‌باشد و همچنین توصیه به سرمایه گذاران و اعتباردهندگان در ارزش گذاری شرکت‌ها توجه به جریان وجوه نقد آن می‌باشد، زیرا یکی از ابزارهای کنترلی مدیران برای کاهش مدیریت سود است. به علاوه تصمیم گیری درباره سرمایه گذاری در شرکت‌ها، بر عوامل و نشانه‌های مدیریت واقعی سود و تأثیر آن‌ها بر جریان‌های نقدی به عنوان شاخصی از عملکرد شرکت تأثیرگذار است. شرکت‌هایی که اهرم مالی بالایی دارند، اگر قادر به پرداخت تعهدهای ناشی از تأمین مالی برون سازمانی نباشند، هم در معرض ریسک ورشکستگی قرار خواهند گرفت و هم قادر به پیدا کردن اعتباردهندگان جدید در آینده نخواهند بود. در چنین شرایطی اگر شرکت تمایل به دریافت وام جدید داشته باشد، از سوی اعتباردهندگان از لحاظ توان پرداخت بدهی در دوره های آتی مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد. با افزایش سطح تخصص مالی کمیته حسابرسی، اعمال مدیریت سود توسط شرکت‌ها کاهش پیدا میکند. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا شرکت‌ها و اعضای هیئت مدیره آن‌ها نسبت به تقویت و استقرار کمیته حسابرسی و توجه به ویژگی‌های آن از جمله، افراد با سابقه و دارای

دانش و تجربه در زمینه حسابداری و حسابرسی و مستقل در این کمیته تلاش نمایند. (فخری و نخعی، ۱۳۹۹، ۵۰) بنابراین، برای تداوم فعالیت و سودآوری آتی وجود وجه نقد کافی ضروری است. تأکید روزافزون تحلیل گران مالی و سرمایه گذاران بر جریان‌های نقد عملیاتی، به عنوان شاخص شفاف‌تری از عملکرد شرکت، سبب شده مدیریت انگیزه‌های بیشتری برای مدیریت سود داشته باشد تا از این طریق تصویر مطلوبی از جریان‌های نقد عملیاتی ارائه دهد و بتواند منابع تأمین مالی برون سازمانی را حفظ کند.

نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اندازه حسابرس تأثیر معکوسی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. یعنی حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود در این شرکت‌ها می‌شوند بنابراین می‌توان گفت تا حدودی کیفیت حسابرسی بزرگی و کوچکی مؤسسه حسابرسی ارتباط دارد و روندی که در آن شرکت‌ها برای حسابرسی به سایر سازمان حسابرسی مراجعه می‌کنند علامت منفی برای آن شرکت‌ها تلقی می‌شود. اظهار نظر حسابرس تعدیل شده حسابرس با مدیریت سود ارتباط دارد. یکی از عواملی که ممکن است بر گسترش مدیریت سود تأثیر گذار باشد، حسابرسان شرکت هستند. کیفیت بالاتر حسابرسی ممکن است منجر به این شود که شرکت یک شیوه محافظه کارانه برای گزارشگری مالی انتخاب کند. با توجه به ویژگی کیفیت حسابرسی، پیشنهاد می‌شود که استفاده کنندگان صورت‌های مالی در تجزیه و تحلیل خود به شهرت و تخصص حسابرس توجه داشته باشند و همچنین بورس اوراق بهادار نیز باید در قیمت گذاری سهام این شرکت‌ها به این موضوع عنایت داشته باشد.

منابع

تجویدی، الناز و قائم پناه، محسن (۱۴۰۰)، «ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود»، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۹.

جوانمرد، عیسی و اجاقی، حسین (۱۳۹۷)، «مؤسسات حسابرسی کوچک و مدیریت سود»، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۰.

خواجوی، شکرالله و ابراهیمی میمند، مهدی (۱۳۹۴)، «رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود با هدف دستیابی به آستانه‌های سود»، مجله دانش حسابداری، سال ششم، شماره ۲۲.

فخری، علی و نخعی، حبیب‌الله (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه بین تخصص مالی، جنسیت کمیته حسابرسی و مدیریت سود»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال سوم، شماره ۲۳.

مشایخی، بیتا و همکاران (۱۳۸۴)، «نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴۲.

مشکی، مهدی و نورددیده، لطیف (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر مدیریت سود در پایداری سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۱.

مکاری، هاشم و همکاران (۱۴۰۰)، «بررسی تأثیر قیاس‌پذیری اطلاعات حسابداری بر مدیریت واقعی سود و مدیریت سود تعهدی»، فصلنامه مطالعات نوین کاربردی در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، سال چهارم، شماره ۱.

نورهاشمی، امیرمحمد (۱۳۹۸)، «معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود: با تأکید بر نقش کیفیت حسابرسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حسابرسی، مؤسسه آموزش عالی شفق تنکابن.

نمازی، محمد و همکاران (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه تحقیقات حسابداری، سال سوم، شماره ۹.

نوروش ایرج و سپاسی سحر (۱۳۸۴)، «بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، ویژه نامه حسابداری ۴۳.

نونهال و همکاران (۱۳۹۲)، «ارزیابی تأثیر کیفیت حسابرس بر مدیریت سود در شرکت‌های تازه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۲، شماره ۷.

Armstrong, C. S., Foster, G., & Taylor, D. (2009). Earnings Management Around Initial Public Offerings: A Re-Examination. SSRN eLibrary.